■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۶۸ ■ سه‌شنبه ■ ۲۸ بهمن ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۸ | اذان مغرب ۱۸/۰۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ | اذان صبح فردا ۵/۲۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۸

سخن روز

امام حسن مجتبی (ع):
هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است: تکبّر، حرص، حسد.
اعیان‌شیعه ج۱ ص۵۵۷

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: جشنواره تجسمی فجر فضایی متفاوت در هنر سرزمین کهن ما ایجاد کرده است

سیزدهمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر افزون بر رشد کمی تعداد هنرمندان با تمرکز بر خوانش تازه از اثر هنری و استفاده از ظرفیت رسانه‌های مختلف هنری، هنرمندان جوان را در همراهی و آموختن از پیشکسوتان تشویق داشته تا سال به سال آثار تازه‌تر و نو به نویی خلق کنند. این دوره جشنواره با اجرای ویژه خود که متکی بر شیوه نامه‌های بهداشتی مربوط به شیوع ویروس کرونا است فضایی متفاوت را در هنر سرزمین کهن ما ایجاد کرده و با رقه‌های امید و نشاط و آگاهی را در جامعه روشن نگه می‌دارد.

سیدعباس صالحی به مناسبت برگزاری سیزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر پیامی را صادر کرد

وقتی آدم با خودش حرف می‌زنه یک قسمتی از آدم کاریک قسمت دیگه رو می‌بینه و قضاوت می‌کنه.

نفرین ابدی بر خواننده این برگ‌ها
مانوئل پوییگ
احمد گلشیری

نـــگاره

سهیل محمدی

گرانی و دغدغه مسکن

یادداشت

فقر سواد رسانه‌ای و جولان سلبریتی ها

علیرضا شریفی یزدی
روانشناس اجتماعی

چهره‌ها یا به اصطلاح سلبریتی‌ها هرازگاهی با حرف‌هایی که در گفت‌وگوها یا در شبکه‌های اجتماعی می‌زنند، خبرساز می‌شوند. حرف‌هایی که معمولاً واکنش‌هایی به‌دنبال دارد. شاید گفته شود حرف‌هایی که گاهی ممکن است دردسرساز هم باشند به‌دلیل جلب توجه مردم زده می‌شود اما به‌نظر من این قضاوت و نیت خوانی است. بسیار سخت است که بخواهیم حرف یک سلبریتی را با چنین نگاهی بررسی کنیم.

می‌شود گفت این مسأله بیشتر به ناآگاهی آدم‌ها نسبت به جایگاه‌شان بازمی گردد. متأسفانه اشکالی در جامعه و فرهنگ ما وجود دارد که اگر کسی متخصص کار و رشته‌ای است به خودش اجازه می‌دهد در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی هم اظهارنظر کند؛ در موضوعاتی که در آنها تخصص ندارد. ما یاد نگرفته‌ایم زمانی که فردی در یک حوزه توانمند است به این معنا نیست که در حوزه‌های دیگر هم می‌تواند توانمند باشد. درباره اظهارنظر سلبریتی‌ها درباره موضوعات مختلف می‌شود با دو نگاه مسأله را بررسی کرد. نگاه اول اینکه آنها هم مانند هر شهروندی حق دارند نظر بدهند اما یک نکته را باید در نظر بگیریم؛ اگر این افراد را سلبریتی یا انسان‌های شاخص و مشهور در نظر بگیریم باید بدانیم که معمولاً سلبریتی‌ها برای بخش بزرگی از جامعه بخصوص جوان‌ها مرجع محسوب می‌شوند و به حرف‌شان استناد می‌شود. در نتیجه نمی‌توانیم به همین سادگی از کنار حرف‌ها و اظهارنظرهایشان رد شویم. اظهارنظرهای این افراد مهم است چون برای گروهی از افراد به لحاظ روانشناسی اجتماعی مرجع محسوب می‌شوند و حرف‌ها و اظهارنظرهایشان را سند می‌بینند.

درست است که یک سلبریتی مانند هر فرد دیگری حق اظهارنظر دارد ولی باید به این نکته توجه کند که چون گروه بزرگی از مردم به حرف او استناد می‌کنند نباید حرفی را که سندیت ندارد و صرفاً یک نظر شخصی است در یک جمع عمومی بیان کند. چون این حرف اگر اشتباه باشد اثر تخریبی روی بخش بزرگی از مردم دارد. اگر هنرمند و چهره‌ای بخواهد حرفی از مردم بزند و درددل یا مشکل بخشی از جامعه را مطرح کند مشکلی نیست اما اگر چهره‌ای با یک حرف غیرعلمی مشکلی در جامعه ایجاد کند باید به آن توجه کرد و نباید از آن گذشت. این اظهارنظرها معمولاً در شبکه‌های اجتماعی بسیار مطرح می‌شوند. باید گفت رسانه‌های نوپدید محاسن بسیار زیادی دارند و حداقل انحصار را شکسته‌اند اما همراه خود اشکالاتی هم دارند که البته این اشکالات از رسانه نیست. نمی‌شود به‌دلیل اظهارنظر اشتباه و نامربوط یک سلبریتی گفت اشکال از شبکه‌های اجتماعی است. مشکل اصلی نظام آموزشی ماست که سواد رسانه‌ای را به دانش‌آموزان و دانشجویان یاد نمی‌دهد. می‌توانیم بگوییم که مردم ما دچار بی‌سوادی رسانه‌ای هستند و ما فقر سواد رسانه داریم. برای روبه رو شدن با رسانه‌ها نیاز به سواد داریم و یکی از واجب‌ترین سوادهایی که امروز باید به مردم بیاموزیم سواد رسانه است که هرچیزی را که می‌شنوند، نپذیرند و در بوته نقد بگذارند. باید به مردم یاد داد که اطلاعات و اخبار و حرف‌های هرکسی را نمی‌شود دربست پذیرفت حتی اگر سلبریتی باشد. بلکه باید حرف کسی را پذیرفت و به آن استناد کرد که صلاحیت دارد درباره آن موضوع نظر بدهد. متأسفانه نظر دادن درباره تمام موضوعات و مسائل با هر تخصصی بخشی از فرهنگ ما شده و چنین اظهارنظرهایی که هرازگاهی می‌بینیم محصولات این فرهنگ است و تنها راه اصلاح آن هم افزایش سواد رسانه‌ای مردم است.

سایه روشن

مؤسسه‌های خیریه و کرامت انسانی

محدثه واعظی‌پور
روزنامه نگار

مدتی قبل به پیشنهاد دوستی گرامی برای مصاحبه شغلی، به دفتر یک مؤسسه خیریه رفتم. پیش از این با یکی از مؤسسه‌های خیریه همکاری رسانه‌ای کرده بودم و کم و بیش، فضاهای حاکم بر این سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌شناختم. اغلب این سمن‌ها، در کنار فعالیت‌های فراوان نیکوکارانه و قدم‌های مؤثری که برای رفع فقر و ناداری از جامعه برمی‌دارند گرفتار مشکلاتی هستند. ارتباط آنها با دنیای بیرون قطع است، بیشتر در دایره فعالیت خودشان معنا پیدا می‌کنند و خارج از این گستره، نه مردم از دستاوردهای آنها آگاه می‌شوند، نه حتی نهادها و ارگان‌هایی که می‌توانند حامی و همراهشان باشند؛ بی‌توجهی به نقش روابط عمومی، فعالیت ضعیف رسانه‌ای و دست‌کم گرفتن این ابزارها برای پیشبرد امور، آفتی است که اغلب این مجموعه‌ها با آن دست به گریبانند. نکته جالب در این جلسه، نوع مصاحبه و برخوردی بود که با یک جویای کار می‌شد؛ در یک مؤسسه که تمرکزش بر کار آموزشی است، در جهت گسترش سوادآموزی و فرهنگ فعالیت می‌کند و مفتخر است اغلب حامیان مالی‌اش، ایرانیان متمول و تحصیلکرده خارج از ایران هستند، اصول ابتدایی رفتار سازمانی رعایت نمی‌شد. پیش از این جلسه، حتی در سال‌های نخست شروع کارم مجبور نشده بودم مصاحبه شغلی بدهم، اما همکاران بسیاری را دعوت به کار کرده و در پروژه‌های مختلف، افراد متعددی با مهارت و تخصص‌های گوناگون روبه‌رویم نشسته و درباره کار و حرفه‌شان صحبت کرده بودند؛ در هیچ کدام از آن جلسه‌ها، چنین فضای سرد و بی‌نزاکتی حاکم نبود، حتی اگر متقاضی کار، مناسب همکاری تشخیص داده نمی‌شد احترامش را تا آخر جلسه حفظ می‌کردیم و هرگز او را شایسته تحقیر نمی‌دانستیم.

نوع برخورد سه مسئولی که در این جلسه حضور داشتند همراه با تفرعن، تبختر و از موضع بالا بود. چنین برخوردی را در فضای رسانه ندیده‌ام، گمان می‌کردم در یک مؤسسه خیریه، بیش از هر چیز به کرامت انسانی توجه می‌شود، اما آنچه در قالب مصاحبه می‌دیدم تبلور جهل نسبت به رسانه، سینما و حتی رویدادهای فرهنگی از جنس جشنواره‌ها بود. شاید برای آنانی که فعالیت تخصصی در حوزه سینما و رسانه ندارند، درک اهمیت و جایگاه این حرفه در دنیای جدید ساده نباشد، اما این میزان تقابل با پدیده‌های نو، در جهانی که اطلاع‌رسانی، تبلیغات و شفاف‌سازی از ارکان آن است غیرقابل توجیه و همان پاشنه آشیلی است که فعالان در بسیاری از سازمان‌های مردم نهاد به آن دچارند.

آن جلسه که تمام شد، من و سه مسئولی که مثل بازجو به انتهای مسیر بازپرسی رسیده بودند می‌دانستیم این همکاری پیش از آنکه آغاز شود به پایان رسیده است. هیچ کدام بابت این ماجرا، دلخور نبودیم. این اتفاق، این نوع نگاه و این جنس بیگانه بودن با تحولاتی که در فضای رسانه در جریان است و همه سازمان‌ها، مؤسسه‌ها، صاحبان کالاها و خدمات از آن به نفع خود و برای اطلاع‌رسانی بهره می‌برند، در نهایت به این منجر می‌شود که همچنان در ایران، مسیرهای انجام کارهای نیکوکارانه همان شیوه‌های سنتی و قدیمی است؛ بخش مهمی از جامعه نمی‌داند خدمات خیرین، چقدر متنوع و گسترده است و هزاران ایرانی در نقاط مختلف این کشور، برای از بین بردن فقر، تبعیض و پلشتی از سرزمینشان، پرامید و با انگیزه مشغول به کار هستند.

انتشارات روزنامه ایران منتشر کرد

مقدمه‌ای انتقادی بر ارتباطات سیاسی

پیشنهاد

مؤلف کتاب «مقدمه‌ای انتقادی بر ارتباطات سیاسی» بنیاد کتاب خود را بر این فرض استوار کرده که ارتباطات سیاسی، به عنوان یک ارتباط تعاملی و فرآیند گفتمانی کاملاً با «قدرت» به معنای وسیع آن در هم آمیخته و نویسنده با همین فرضیه استدلال می‌کند که ارتباطات سیاسی چیزی نیست که بتوان برای شناسایی‌اش به‌طور مشخص روی آن انگشت گذاشت؛ بلکه برعکس، ارتباطات سیاسی سلسله فرآیندهایی است که در درون مجموعه‌ای از ساختارهای پیشینی ساری و جاری است و در چنین ساختارهایی، کارگزاران به شیوه‌های گوناگون از توانایی کنشگری و تأثیرگذاری برخوردار هستند. از طرفی دیگر هِدر ساوینی استاد رسانه و سیاست در دانشگاه لستر انگلیس معتقد است آگاهی از این رابطه ساختاری پیچیده موضوع و هدف اصلی کتابی است که او نوشته و در ایجاد چنین محیطی هم رسانه‌ها و هم سیاستمداران دخیل هستند. او موضوع را این‌طور تحلیل کرده که این مسأله، رابطه‌ای خطی و یک‌طرفه نیست که یکی علت و دیگری معلول باشد، بلکه بر عکس چنین رابطه‌ای کاملاً دایره‌ای، دیالکتیکی، تعاملی و تکرار شونده است. ساوینی با اشاره به اینکه راه‌های متعددی برای برقراری ارتباطات سیاسی وجود دارد، می‌نویسد: ما به جای اینکه پذیرنده منفعل یک روند ارتباطی باشیم که در سطح نخبگان برقرار شده است، ممکن است گزینه‌های مختلفی را شامل مقاومت، تغییر چارچوب، بازنویسی و برقراری یک ارتباط سیاسی جدید انتخاب کنیم. در بحث کنونی چنین استدلال می‌شود که هرچند درک متعارف از ارتباطات سیاسی بیشتر گرایش دارد بر اقدامات و فرآیندهای ارتباطی فعالان نخبه تمرکز داشته باشد، اما تجزیه و تحلیل روابط قدرت که در چنین روندهایی تجسم می‌یابد درک این موضوع را آسان‌تر می‌کند که ارتباطات سیاسی به عنوان مجموعه‌ای از عملکردها و روندها، چگونه می‌تواند روندی بشدت سیاسی باشد.

«مقدمه‌ای انتقادی بر ارتباطات سیاسی» نوشته هدر ساوینی با ترجمه بهجت عباسی در ۳۴۵ صفحه و توسط انتشارات روزنامه ایران منتشر شده و همان‌طور که در سطور پیشین به آن اشاره شد با نگاه انتقادی، برخی نظریه‌های مسلط و غالب در حوزه ارتباطات سیاسی را که به اعتقاد نویسنده ریشه در اندیشه‌های کاپیتالیستی، نئولیبرالی و مردسالارانه غربی دارد به طور جدی به چالش کشیده است.

بهجت عباسی پیش از این نیز آثار دیگری از جمله مقدمات فلسفه (واربرتون)، وفاداری والاتر (خاطرات جیمز کومی)، اتاق بیضی (خاطرات جان بولتون) و کتاب اخبار جعلی (برایان مک نیر) را ترجمه کرده است.

عکس نوشت

دو نشان رز و چهار دیپلم افتخار از چهل و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی هنرهای زیبای کودکان «لیدیسه» کشور چک به کودکان هنرمند ایرانی رسید. این نمایشگاه در سال ۲۰۲۰ با موضوع «منظره و چشم انداز» در دو بخش نقاشی و عکس برگزار شد و از میان ۲۲ هزار و ۲۱۶ اثر رسیده از ۷۸ کشور دنیا، شش عضو مراکز فرهنگی هنری کانون برگزیده شدند.

هشتـگ

#کرونا

موج چهارم کرونا و شیوع کرونای انگلیسی باعث شده شاهد بحث‌های بیشتری درباره این بیماری در شبکه‌های اجتماعی باشیم. خیلی‌ها سعی می‌کنند دیگران را به رعایت پروتکل‌ها تشویق کنند و خطرات کرونا را گوشزد می‌کنند. درگذشت مهشید گودرز پرستار باردار بیمارستان لقمان تهران هم باعث شده درباره کادر درمان و خطراتی که آنها را تهدید می‌کند بیشتر بخوانیم: «امروز برای چکاپ یک ماهگی بچه‌ها رو بردیم دکتر. بشدت هشدار داد در مورد کرونا و نوع جهش یافته اون. توصیه اکید داشت از خونه خارج نشین و کسی هم مطلقاً نیاد. تو یکی از بیمارستان‌ها هم هستن که گفت تعداد بستری نوزادان کرونایی خیلی بالا رفته. نوزاد به دنیا اومده با کرونا و نارسایی‌های کلیه و کبد. می‌گفت آمارها هم رو به افزایشه. خیلی هم ناراحت بود برای بحران اجتماعی بعد از کرونا بخصوص مشکلات کادر درمان.»، «هفته قبل تهران بودم. مردم پر به پر هم توی رستوران‌های تهران نشسته بودند. پاساژها شلوغ، خیابون‌ها شلوغ، واقعاً انتظار بهتری نمیشه داشت»، «چرا باید اینگونه باشد که بعد از مرگ مهشید گودرز، پرستار هفت ماه حامله مشغول به کار در بخش کرونا، صدای دیگران دربیاید؟ چرا کسی زمانی که مهشید -پرستار باردار- را در بخش کرونا مشغول به کار کردند، حرفی نزد؟ مگر به زنان دارای فرزند خردسال یا حامله دورکاری تعلق نمی‌گیرد؟»، «امسال عید برنامه اینه، آدم‌های باشعور میشینن تو خونه تا موج چهارم کرونا شروع نشه، آدم‌های بیشعور هم با تور میرن ترکیه و قشم و کیش و ارمنستان، برای آدم‌های باشعوری که کل عید تو خونه پوسیدن، انواع جهش یافته کرونا رو سوغاتی میارن»، «فیلم و عکس همسر این پرستاری که فوت شده رو دیدم دلم خون شد. به‌خاطر این عزیزان، به‌خاطر خانواده‌هاشون یه کم رعایت کنیم»، «با وجود وضعیت قرمز گیلان و با وجود هشدار پی‌درپی مسئولان به مردم درباره پرهیز از سفر به استان‌های قرمز، حضور مسافران در استان‌های شمالی بدون رعایت کامل موارد بهداشتی و فاصله‌گذاری فیزیکی باعث تشدید نگرانی در مورد افزایش آمار مبتلایان به کرونا شده است. به گیلان سفر نکنید»، «یادمه پارسال این موقع‌ها زمزمه کرونا تو چین بود وکم کم رسید به ایران، همه می‌ترسیدن شهر خالی شده بود از هیاهو و شلوغی!الانم توی روزهای آخر بهمن ماه هستیم و یک سال هست که داریم با این ویروس دست و پنجه نرم می‌کنیم انگار مردم ترسشون ریخته ولی این ویروس همونه و حتی قوی‌تر شده»، «حال گیلان خوب نیست لطفاً به گیلان سفر نکنید بذارید برای بعد کرونا»، «نرجس خانعلی‌زاده رو یادتونه در تاریخ ۶ اسفند ۹۸ درگذشت. اولین پرستار و نخستین قربانی ثبت شده همه‌گیری ویروس کرونا در ایران (بیمارستان میلاد لاهیجان) است؛ یک هفته دیگه یکسال میشه»، «چرا جلوی ویروس جهش یافته و چرخشش رو نگرفتین؟ چرا شهرها رو آبی اعلام کردین؟چرا تالارها بازن و عروسیا برگزار میشن؟ چرا ماسک رو اجباری نمی‌کنین؟»، «یک مورد کرونای انگلیسی در یک ایالت استرالیا پیدا شد نتیجه: کل ایالت قرنطینه شد! دو مورد مرگ با کرونای انگلیسی در آبیک و کرج، نتیجه: ادامه شُل وضعی پروتکل‌ها، تردد بی‌ماسک و بدون فاصله اجتماعی، شغل‌ها همه برقرار!»، «همه دارن میگن وای کرونای انگلیسی اومد وای پیک چهارم. خب جای حرف تالارها و مکان‌های پرازدحام رو باید ببندید.»

شهروند مجـــازی

یگانه خدامی

ماسک و مشکلات ناشنوایان

ماجرا

یکی دو روزی است عکس ماسکی با نشان ناشنوایان در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌چرخد. ناشنوایان و کم شنوایان این روزها به‌دلیل استفاده مردم از ماسک برای متوجه شدن حرف‌های دیگران دچار مشکلات زیادی هستند و درخواست می‌کنند شرایط آنها در نظر گرفته شود: «این روزها با وجود ماسک، شرایط برای عزیزان ناشنوا و کم‌شنوا خیلی سخت شده است؛ چون این دوستان امکان لب‌خوانی را با وجود ماسک ندارند. بنابراین، لطفاً چنان‌چه کسی با این نوع ماسک برای کاری به شما مراجعه کرد، یا برایش بنویسید یا با رعایت فاصله لازم و مثلاً از پشت شیشه (در مکان‌های دولتی یا بانک‌ها)، ماسکتان را بردارید و صحبتی را که نیاز هست بگویید.»، «ناشنوایان و کم شنوایان از شرایط موجود که امکان لبخوانی به‌دلیل ماسک زدن افراد نیست و در نتیجه امکان تعامل با مردم و کارمندان ادارات وجود ندارد ابراز گلایه کرده‌اند. ماسک‌های شفاف هم کیفیت خوبی ندارد و بخار می‌گیرد. قابل توجه وزارت بهداشت سازمان بهزیستی.»، «یکی از سختی‌های طبابت در دوران همه‌گیری کرونا معاینه بیماران ناشنوا است. از یک طرف برداشتن ماسک توسط بیمار یا پزشک خیلی خطرناک است و از سوی دیگر باید امکانی مهیا شود که بیمار بتواند لب‌خوانی کند تا صحبت‌های پزشک را بفهمد. زدن شیلد و افزایش فاصله هم راهکاری پرخطر و ناقص است.»، «فکر کنم سختی این دوران کرونا و زدن ماسک از همه بیشتر برای افراد ناشنوا بوده که یکی از راه‌های ارتباط برقرار کردنشون لب خونیه.»، «درهمون ایام قبل از کرونا این عزیزان همینجوری کلی سختی و مشکلات و بی‌حرمتی‌ها و کمبودهای اساسی داشتند و خیلی صبور بودند. حالا دیگه چه باید بکنند این بندگان خدا؟»

به نام تاریخ

■ ۲۸ بهمن

سیصد و سی و چهارمین روز سال روز نویسنده هاست. صادق هدایت و بزرگ علوی از بنیانگذاران گروه ادبی ربعه امروز سالروز تولد و درگذشت‌شان است.

■ **تولدها**

صادق هدایت: نویسنده معاصر و یکی از پدران داستان‌نویسی مدرن ایران سال ۱۲۸۱ در چنین روزی متولد شد. صادق هدایت در مدرسه سن لویی فرانسوی‌ها به ادبیات جهان علاقه‌مند شد و آن را دنبال کرد. اولین مقاله‌اش در روزنامهٔ هفتگی (به مدیریت نصرالله فلسفی) منتشرشد و پس از آن با مجله ترقی همکاری کرد. در سال ۱۳۰۳ یک کتاب کوچک به نام «انسان و حیوان» منتشر کرد که درباره مهربانی با حیوانات بود. سال ۱۳۰۲ تصحیحی از رباعیات خیام را منتشر کرده بود و یک سال پس از آن در سال ۱۳۰۳ نخستین داستان کوتاهش با نام «شرح حال یک الاغ هنگام مرگ» در مجلهٔ وفا از او منتشر شد. «مازیار؛ تاریخ زندگی و اعمال او»، «زنده به گور»، «اوسانه»، «انیران»، «سه قطره خون»، «سایه روشن»، «علویه خانم»، «وغ وغ ساهاب» و «ترانه‌های خیام» کتاب‌هایی بود که قبل از «بوف کور» نوشت. «بوف کور» سال ۱۳۱۵ منتشر شد و مورد توجه قرار گرفت. «سگ ولگرد» و «حاجی آقا» کتاب‌های دیگری است که هدایت نوشت. کتاب‌های «گجسته ابالیش»، «گزارش گمان شکن»، «گروه محکومین» و «مسخ» هم با ترجمه او منتشر شدند. هدایت به‌دلیل داستان‌هایش همراه محمدعلی جمالزاده و بزرگ علوی و صادق چوبک به‌عنوان یکی از پدران داستان‌نویسی نوین ایرانی شناخته می‌شود. او سال ۱۳۳۰ درگذشت.

شهرام صارمی: نوازنده کمانچه سال ۱۳۴۲ در چنین روزی به دنیا آمد. شهرام صارمی مقدمات موسیقی را از برادرش جهانشاه صارمی یاد گرفت و از سال ۱۳۶۲ کمانچه را از هادی منتظری آموخت و پس از آن شاگرد اصغر بهاری شد. او فعالیت حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۶۷ آغاز کرد و تاکنون اجراهای زیادی در داخل و خارج از کشور داشته و اجرای موسیقی گروه قشقایی «حاوا» در ترکیه و اجرای موسیقی در جشنواره نمایش عروسکی «کارلوا» در کشور چک از کارهای او است.

علیرضا کهن دیری: آهنگساز ایرانی سال ۱۳۵۳ در چنین روزی به دنیا آمد. علیرضا کهن دیری را بیشتر با موسیقی پاپ و موسیقی‌هایی که برای فیلم‌ها ساخته می‌شناسیم. او ساخت موسیقی فیلم را از سال ۱۳۷۴ با فیلم «عاشق فقیر» آغاز کرد و پس از آن موسیقی فیلم‌هایی چون «برج مینو»، «شب روباه، »، «رنگ خدا»، «سینما سینماست»، «عینک دودی»، «دفتری از آسمان»، «سینه سرخ»، «روز سوم»، «حیران»، «سیزده ۵۹» و «میهمان داریم» و سریال‌های «وفا»، «شکرانه»، «گل‌های گرمسیری»، «یه تیکه زمین»، «هفت سین»، «آوای باران» و «رهایم نکن» را ساخت. آلبوم‌های «شکوه»، «بی واژه»، «برکت»، «ماه غریبستان»، «فاصله» و «سلام آخر» هم با آهنگسازی کهن‌دیری منتشر شده‌اند. او تاکنون ۴ بار نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن بوده است.

رضا بانگیز: نقاش و مجسمه‌ساز ایرانی سال ۱۳۱۶ در چنین روزی متولد شد. رضا بانگیز رشته نقاشی را در دانشکده هنرهای زیبا خواند و با آثارش که در آنها تکنیک چاپ و نقاشی را همزمان به کار می‌برد شناخته شد. موضوع بیشتر آثار بانگیز از داستان‌های فولکلور برمی‌آید و ارجاعات بسیاری به فرهنگ مردم کوچه و بازار و داستان‌های عاشقانه‌ای چون لیلی و مجنون دارد. او در همه دوسالانه‌های نقاشی تهران و در بیش از ۱۵۰ نمایشگاه انفرادی در سراسر ایران شرکت کرده و آثارش در کشورهای مختلف جهان به نمایش درآمده و بسیار مورد استقبال قرار گرفته‌اند. او جوایز دومین و سومین بی‌ینال نقاشی تهران و مدال طلا از وزارت فرهنگ و هنر را گرفته است.

● سالروز تولد **داوود دانشور** کارگردان و مترجم، **یدالله انوری** بازیگر، **حسین ذوالقدر** شاعر، **ایرج صف شکن** شاعر و **فرزانه کرم‌پور** داستان نویس هم امروز است.

■ **درگذشت ها**

عماد خراسانی: غزلسرا و قصیده سرای شاخص سال ۱۳۸۲ درگذشت. عماد خراسانی متولد ۱۳۰۰ بود و از ۹ سالگی شعرخوانی و سرودن شعر را آغاز کرد. در جوانی با تخلص‌های شاهین و شاخص شعر می‌گفت و پس از آن فریدون مشیری برای او تخلص عماد خراسانی را انتخاب کرد. دیوان اشعار عماد خراسانی با مقدمه‌ای از مهدی اخوان ثالث، بارها تجدید چاپ شده و بعضی از شعرهای او به ضرب‌المثل تبدیل شده یا توسط خوانندگانی چون اکبر گلپایگانی، محمدرضا شجریان، عبدالوهاب شهیدی و بنان خوانده شده است.

بزرگ علوی: نویسنده رمان «چشم‌هایش» سال ۱۳۷۵ در چنین روزی درگذشت. بزرگ علوی متولد ۱۲۸۳ بود و نخستین داستان مطرحش یعنی «سرباز سربی» در ۱۳۰۰ منتشر شد. او سال ۱۳۱۰ با صادق هدایت آشنا شد و همراه او و مسعود فرزاد و مجتبی مینوی گروه نوگرای ربعه را در برابر ادیبان و نویسندگان سنت‌گرا پایه‌گذاری کرد. مجموعه داستان «انیران» را هم با همکاری هدایت و شین پرتو در همان سال نوشت. او از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰ به جرم پیروی از کمونیسم در زندان بود و پس از آن «ورق پاره‌های زندان» را نوشت و بنیانگذار ادبیات داستانی زندان در زبان فارسی شد. «چشم‌هایش» با داستانی سیاسی و رمانتیک در سال ۱۳۳۱ منتشر شد و او را بیشتر به شهرت رساند. «سالاری ها»، «موریانه»، «چمدان»، «میرزا»، «گیله مرد» و «روایت» دیگر آثار برجسته او است.